

به نام خدا

ریاست محترم محاکم تجدید نظر استان تهران

با سلام و عرض ادب، احتراماً؛

اینجانب میثم شفیی وکیل..... در خصوص تجدید نظر خواهی خانم..... لایحه خویش را با توجه به دلایل ابرازی توسط تجدیدنظرخواه در دو بخش خدمت شما به شرح ذیل تقدیم می دارم؛
بخش اول؛ لایحه تکمیلی در نقض بخشی از دادنامه و صدور حکم به تنفیذ کل وصیت نامه با توجه به موارد مطرح شده از جانب خانم..... و آقای.....
بخش دوم؛ در رد تجدیدنظرخواهی خانم.....

بخش اول

همانطور که بنده در لایحه قبلی تجدیدنظرخواهی خدمت شما عارض شدم مرحومه و مرحوم..... در حق موکل اقدام به وصیت مورد دعوا نمودند.

پس از تحقیقات انجام شده رای معترض عنه صادر گردید و دادگاه محترم بدوی تنها نسبت به سهم الارث خانم..... حکم به تنفیذ وصیت صادر نموده اند اما موضوع جالبی پس از تجدیدنظرخواهی خانم..... پیش آمد که ادعاهای موکلین بنده..... را بیش از پیش تقویت و ثابت می نماید.

با تدقیق در پرونده) اعم از صورت جلسات دادگاه و همچنین اظهارات وکیل محترم..... و آقای (.....) و تدقیق در دادخواست تجدید نظر خواهی به تاریخ..... اظهارات ضد و نقیض..... و خانم..... به خوبی عیان شده است. همانگونه که شما عالی مقامان ملاحظه می فرمایید آقای..... و خانم..... و حتی وکیل محترمشان در صورتجلسات سابق، مدعی عدم وصیت شده اند، حالیه آنکه؛ با عنایت به تجدیدنظرخواهی ایشان و همچنین پیوست های لایحه تجدیدنظرخواهی) اقرار نامه آقای (.....) با چرخش ناگهانی اکنون مقرر به وصیت شده اند ولیکن مدعی شده اند که از وصیت رجوع شده است.

چگونه است که آقای..... وصیت نامه را قبول نداشته اما اکنون به موجب یک اقرارنامه که پیوست لایحه تجدیدنظرخواهی خانم..... است، وصیت نامه را قبول داشته؟!

پس این ثابت می نماید که نامبردگان با علم و آگاهی از این که وصیت شده و وصیت نامه نیز موجود بوده است با دروغ پردازی وصیت مزبور نمی پذیرفتند اما اکنون این وصیت را می پذیرند اما مدعی رجوع از وصیت شده اند و این باز هم دروغی دیگر در جهت عمل نکردن به وصیت نامه آن مرحومین می باشد!

پس نتیجتاً اینکه ؛ مرحومین..... و..... در زمان حیات خود اقدام به وصیت له موکلین نمودند و با توجه به دادخواست تجدید نظر خواهی وکیل ایشان و همچنین اقرارنامه آقای..... وصیت نامه مزبور انجام شده و این مسئله ادعای موکلین را اثبات می نماید.

نکته دیگر اینکه؛ بنده در لایحه تجدیدنظرخواهی مورخ..... موارد صدور حکم به تنفیذ وصیت نامه را شرحاً مکتوب نمودم اما مهم اینکه؛ طبق اقرار..... آنچه به قطع و یقین حاصل می آید این است که وصیت انجام شده و موکلین مستحق مورد وصیتنامه های مزبور می باشند.

بخش دوم

و اما در رد تجدیدنظرخواهی خانم..... مراتب ذیل را خدمت شما تقدیم می دارم؛

اولاً؛ خانم..... صریحاً اقرار بر وصیت کرده اند که با تدقیق در صورتجلسه، اقرار صریح ایشان مشخص می باشد و اصل وصیت در نزد ایشان می باشد و هم خانم..... و هم آقای..... به موجب اقرارنامه پیوست دادخواست تجدیدنظرخواهی اقرار به وصیت ها نموده اند اما اکنون قصد دارند تا با ادعای دروغین و واهی رجوع از وصیت، حقوق حقه موکلین را پایمال نمایند.

دوماً؛ استناد وکیل محترم به بند ب ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی برای زمانی می باشد که در جهت اثبات وصیت دلیلی دیگر وجود نداشته باشد در صورتی که به استناد صورتجلسه دادرسی و همچنین اقرار صریح آقای..... که پیوست لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل محترمشان می باشد، وصیت مزبور ثابت گردیده و طبق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی وقتی دلیلی مثل اقرار وجود دارد دیگر مجالی برای دلایل دیگر وجود ندارد و نیز اینکه، علاوه بر اقرار خانم..... و آقای..... دلایل دیگری جهت صدور حکم به تنفیذ وصیت وجود دارد.

سوماً؛ اظهارات وکیل محترم در بند چهارم از دادخواست تقدیمی ادعای موکلین را ثابت می نماید ادعایی که سالهاست نمی پذیرفتند اما اکنون وصیت نامه را می پذیرند اما با دروغ واهی و بی اساس مدعی رجوع از وصیت شده اند و جالب اینکه خانم..... در صورتجلسه دادرسی تنها نسبت به رجوع وصیت مرحوم..... سخن به میان آورده است و این مساله دروغ واهی و بی اساس ایشان را ثابت می نماید.

علی ایحال؛ با توجه به مراتب فوق و نظر به اینکه آقای..... و خانم..... اقرار بر وجود وصیت نموده اند و در نتیجه اثبات می گردد که وصیت انجام شده است لذا تقاضای صدور حکم به تنفیذ وصیت نامه متمنی است.

با تجدید احترام

میثم شفیع